Scientific-Research Quarterly Siasat-e Motalieh
14th Year, No. 53, 2026

Analyzing the Impact of the Nuclear Crisis on Iran's Domestic Economy: An Emphasis on Foreign Investment

Sadegh Babakan[1], Maqsoud Ranjbar[2], Mehdi Motaharnia[3]

[1] *Department of Political Science, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran. S.babakan@iau.ac.ir*
[2] *Department of Political Science, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran* ***(Corresponding Author)****. M.ranbar1340@iau.ac.ir*
[3] *Department of Political Science, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran. Mhdi.M1345@iau.ac.ir*

Abstract

This study examines the impact of nuclear-related sanctions on Iran's domestic economy, focusing on changes in foreign investment before and after the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA). Changes in Iran's nuclear program, particularly decisions to resume and intensify nuclear activities, have had significant implications for its international economic relations. Since sanctions operate primarily through the international economy, understanding their effects requires examining how the international economic system has been reconfigured to restrict Iran's economic activities. The central research question is: How have sanctions arising from the nuclear crisis affected Iran's domestic economy? The study posits that financial, insurance, and maritime sanctions, combined with trade restrictions, have severely disrupted Iran's international economic interactions and driven foreign investment to its lowest levels. These sanctions have also affected trade with key partners in the Persian Gulf and East Asia. The reconfiguration of the international economic system, as manifested in sanctions against Iran, has increasingly taken the form of export-control regimes, reducing investment across various sectors of the Iranian economy. Restrictions on investment in the oil and gas sectors, bans on oil sales, and the inability to transfer funds through the Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication (SWIFT) system since 2012 have consequently intensified economic pressures, contributing to rising inflation, currency depreciation, and other adverse economic outcomes.

Keywords: economy, Iran, nuclear crisis, foreign investment, international economy, sanctions, trade relations.

Received: 2025-08-23 ; **Received in revised form:** 2025-12-10 ; **Accepted:** 2026-01-02 ; **Published online:** 2026-03-30
https://doi.org/10.22034/sm.2024.2044382.2251
© the authors
http://sm.psas.ir **Article type:** Research Article
Publisher: Political Studies Association of the Seminary

فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست متعالیه
سال ۱۴، شماره ۵۳، ۱۴۰۵

واکاوی تاثیرپذیری اقتصاد داخلی ایران از بحران هسته‌ای (با تاکید بر سرمایه‌گذاری خارجی)

صادق بابکان[۱]، مقصود رنجبر[۲]، مهدی مطهرنیا[۳]

[۱] گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. S.babakan@iau.ac.ir
[۲] گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (**نویسنده مسئول**). M.ranbar1340@iau.ac.ir
[۳] گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. Mhdi.M1345@iau.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر درصدد است اقتصاد داخلی ایران را در بخش سرمایه‌گذاری خارجی، در پرتو تحریم‌های هسته‌ای مورد بررسی قرار داده و میزان کاهش و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی قبل و بعد از برجام را نشان دهد. تغییر در برنامه هسته‌ای ایران یعنی تصمیم‌گیری در مورد ازسرگیری و تشدید برنامه‌های هسته‌ای. از آنجایی که تاثیرگذاری تحریم‌ها از مسیر اقتصاد بین‌الملل صورت می‌گیرد، لذا می‌بایست تغییر شکل اقتصاد بین‌الملل را به منظور محدود کردن اقتصاد ایران مورد توجه قرار داد. سوال اصلی پژوهش این است که تحریم‌های ناشی از بحران هسته‌ای چگونه بر اقتصاد داخلی ایران تاثیر گذاشته است. به نظر می‌رسد تحریم‌های ترکیبی مالی، بیمه‌ای و کشتیرانی و ممنوعیت‌های تجاری، تأثیر شدیدی بر تعاملات اقتصادی بین‌المللی ایران داشته و همه این موارد موجب شده تا سرمایه‌گذاری خارجی ایران در پایین‌ترین حد خود قرار گیرد. همچنین این تحریم‌ها تجارت ایران با حوزه‌های نزدیک تجاری نظیر حوزه خلیج فارس و آسیای شرقی را متاثر ساخته است. بر این اساس، امروزه تغییر شکل اقتصاد بین‌الملل که به شکل تحریم برای ایران جلوه‌گر شده، در قامت رژیم‌های کنترل صادرات که در نهایت کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی ایران را درپی دارد، اجرا می‌شود. در نتیجه، محدودیت‌هایی بر اقتصاد ایران نظیر سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز، ممنوعیت فروش نفت، عدم امکان نقل و انتقال پول در سامانه سوئیفت (از سال ۲۰۱۲) موجب شدت گرفتن تورم، کاهل ارزش پول ملی و... ایجاد کرده است.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد، ایران، بحران هسته‌ای، سرمایه‌گذاری خارجی، اقتصاد بین‌الملل، تحریم، روابط تجاری.

استناد به این مقاله: بابکان، صادق؛ رنجبر، مقصود؛ مطهرنیا، مهدی (۱۴۰۵). واکاوی تاثیرپذیری اقتصاد داخلی ایران از بحران هسته‌ای (با تاکید بر سرمایه‌گذاری خارجی). *سیاست متعالیه*، ۱۴(۱): ص۲۵۳-۲۷۲. https://doi.org/10.22034/sm.2024.2044382.2251

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱ ؛ **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۰۹/۱۹ ؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۱۰/۱۲ ؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه **نوع مقاله:** پژوهشی http://sm.psas.ir

© the authors

مقدمه

اقتصاد بین‌الملل به مطالعه مبادلات اقتصادی و مالی بین کشورها می‌پردازد. این رشته بر تحلیل موضوعاتی همچون تجارت بین‌الملل، سرمایه‌گذاری‌های خارجی، سیاست‌های ارزی، و جریان‌های مالی بین‌المللی تاکید دارد. اقتصاد بین‌الملل کمک می‌کند تا متوجه شویم که چگونه سیاست‌ها و تغییرات اقتصادی در یک کشور می‌تواند بر سایر کشورهای جهان تأثیر بگذارد و بالعکس. همچنین، این حوزه به فهم چالش‌های جهانی مانند بحران‌های مالی و نقش نهادهای بین‌المللی در نظم‌بخشی به اقتصاد جهانی می‌پردازد. در عصر جهانی‌شدن، عوامل متعددی بر توسعه اقتصادی کشورها اثرگذارند. با این حال، در قرن بیست و یکم، سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان کلیدی‌ترین عامل توسعه اقتصادی شناخته می‌شود. در هزاره سوم، هم‌پیوندی اقتصادی میان کشورها افزایش یافته و ساختار اقتصاد جهانی چنان است که رشد یا رکود اقتصادی یک کشور می‌تواند بر دیگر کشورها هم اثر بگذارد. توسعه صادرات و واردات و نیز افزایش اشتغال و پیشرفت صنعتی به سرمایه‌گذاری خارجی وابسته است. همچنین، همبستگی اقتصادی کشورهای صنعتی به یکدیگر بیشتر شده است؛ ارتباط با یک کشور پیشرفته صنعتی، راهی برای تعامل با سایر کشورهای صنعتی فراهم می‌کند، در حالی‌که عدم ارتباط ممکن است باعث کاهش تأثیر اقتصادی و صنعتی شود. سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه، به ویژه ایران، شناخته می‌شود. این نوع سرمایه‌گذاری نه‌تنها به تأمین منابع مالی مورد نیاز برای پروژه‌های زیرساختی و صنعتی کمک می‌کند، بلکه با انتقال فناوری و دانش فنی، به ارتقای کیفیت تولیدات داخلی نیز می‌انجامد. در دنیای امروز که تعاملات اقتصادی بین‌المللی به سرعت در حال گسترش است، اهمیت جریان سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان پل ارتباطی میان کشورها و فرهنگ‌ها بیش از پیش نمایان شده است. این جریان می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری اقتصادهای محلی کمک کند و فرصت‌های شغلی جدیدی را برای جوانان ایجاد نماید. در نتیجه، جذب سرمایه‌گذاری خارجی نه‌تنها به توسعه اقتصادی کشورها کمک می‌کند، بلکه به بهبود استانداردهای زندگی و افزایش رفاه اجتماعی نیز منجر می‌شود. تولید ناخالص داخلی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم، نمایانگر قدرت اقتصادی و مسیر رشد یک کشور است و معیاری اساسی در تحلیل‌های اقتصادی به‌شمار می‌آید. کشورهایی که محیطی مناسب برای سرمایه‌گذاری فراهم می‌کنند و به شکل مدیریت‌شده ارتباط خود را با دیگر کشورها گسترش می‌دهند، معمولاً عملکرد اقتصادی بهتری نسبت به کشورهایی با اقتصاد بسته دارند. سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد جهانی دارای اهمیت فراوانی است و به عنوان یک صنعت جهانی شناخته می‌شود. این نوع سرمایه‌گذاری نه‌تنها یکی از شاخص‌های کلیدی

جهانی‌سازی اقتصاد محسوب می‌شود، بلکه تأثیر بسزایی در ارتباط دادن اقتصاد ملی با بازار جهانی و توسعه تجارت بین‌المللی دارد. با افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، کشورها می‌توانند از تجربیات و دانش فنی بین‌المللی بهره‌مند شده و مسیر رشد و توسعه اقتصادی خود را تسریع نمایند. پژوهش حاضر به بررسی تأثیرات توافق هسته‌ای بر ورود سرمایه‌گذاری خارجی به ایران می‌پردازد. این توافق موجب افزایش علاقه سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خارجی برای ورود به ایران شده است، اما با چالش‌های ساختاری، رفتار مستقل سرمایه‌گذاران جهانی در برابر دولت‌ها و مشکلات داخلی نظیر عدم پذیرش FATF و قوانین داخلی ایران، این سرمایه‌گذاری‌ها با موانعی مواجه شده‌اند.

۱. چارچوب نظری

۱-۱. شرح نظریه

براساس تعریف آنکتاد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی[1] به سرمایه‌گذاری‌ای گفته می‌شود که در قالب رابطه‌ای بلندمدت، همراه با حق کنترل یک بنگاه اقتصادی در کشوری دیگر انجام می‌شود (UNCTAD, n.d). این نوع سرمایه‌گذاری معمولاً با هدف دستیابی به منافع اقتصادی و راهبردی، گسترش بازار، دسترسی به منابع و فناوری، و افزایش رقابت‌پذیری صورت می‌گیرد. از این‌رو، FDI می‌تواند بر رشد اقتصادی، اشتغال، انتقال فناوری و بهره‌وری کشور میزبان اثرگذار باشد. در ادبیات اقتصادی، نظریه‌های متعددی برای توضیح انگیزه‌ها و الگوهای این پدیده مطرح شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها در ادامه بررسی می‌شود.

۱-۱-۱. نظریه بازارهای ناقص

نظریه بازارهای ناقص از نخستین رویکردهای مهم در تبیین FDI است که توسط هایمر مطرح شد. براساس این دیدگاه، FDI صرفاً نتیجه تفاوت در نرخ بازده سرمایه نیست، بلکه از وجود موانع ورود و نقص‌های ساختاری بازار ناشی می‌شود (Hymer, 1976, p. 65). در این چارچوب، بنگاه خارجی در کشور میزبان با شرایطی مواجه است که بنگاه داخلی با آن روبه‌رو نیست؛ ازجمله عدم قطعیت اطلاعاتی، تبعیض ملی‌گرایانه و ریسک نوسانات ارزی (Helpman, 1984, p. 452). عدم قطعیت ناشی از ناآشنایی با محیط حقوقی، فرهنگی و اقتصادی کشور میزبان، هزینه فعالیت شرکت خارجی را افزایش و مزیت رقابتی آن را کاهش می‌دهد (Hymer, 1976, p. 88). همچنین، دولت‌ها ممکن است برای حمایت از صنایع داخلی،

1. Foreign Direct Investment (FDI)

محدودیت‌هایی برای شرکت‌های خارجی وضع کنند؛ محدودیت‌هایی مانند تعرفه، سهمیه، یا الزامات قانونی سخت‌گیرانه که جذابیت بازار میزبان را کاهش می‌دهد (Dunning, 1993, p. 112; Markusen, 1995, p. 177). افزون‌بر این، نوسانات نرخ ارز می‌تواند بازده واقعی سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهد و انتقال سود به کشور مبدأ را دشوار سازد (Helpman, 1984, p. 460). در پاسخ به این موانع، شرکت‌ها معمولاً از راهبردهایی مانند همکاری با شرکت‌های محلی، بهره‌گیری از دارایی‌های نامشهود نظیر برند و فناوری، و استفاده از ابزارهای پوشش ریسک ارزی بهره می‌برند (Dunning, 1993, p. 164; Markusen, 1995, p. 180; Helpman, 1984, p. 464). بنابراین، این نظریه توضیح می‌دهد که FDI زمانی رخ می‌دهد که شرکت بتواند بر محدودیت‌های بازار میزبان غلبه کند.

۱-۱-۲. نظریه درونی‌سازی

نظریه درونی‌سازی بر این فرض استوار است که ورود به بازارهای خارجی با هزینه‌های مبادله قابل توجهی همراه است. این هزینه‌ها شامل جست‌وجو، مذاکره، عقد قرارداد، نظارت و کنترل فعالیت‌هاست. از این‌رو، شرکت‌ها ترجیح می‌دهند برخی فعالیت‌ها را در درون ساختار سازمانی خود انجام دهند تا هزینه‌ها کاهش یافته و کنترل بیشتری بر عملیات داشته باشند (Buckley & Casson, 1976, p. 99). از دیدگاه این نظریه، هنگامی که بازار برای انتقال دانش، فناوری یا سایر دارایی‌های نامشهود، ناکارآمد باشد، شرکت به جای واگذاری فعالیت‌ها از طریق قرارداد یا صدور مجوز، خود مستقیماً در کشور دیگر سرمایه‌گذاری می‌کند (Helpman, 1984, p. 467). این امر نه‌تنها هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد، بلکه امکان کنترل بهتر بر کیفیت، فناوری و توزیع را نیز فراهم می‌سازد. همچنین، حضور مستقیم در بازار خارجی باعث دسترسی دقیق‌تر به اطلاعات محلی و سازگاری بهتر با نیازهای مصرف‌کنندگان می‌شود (Dunning, 1993, p. 179). از سوی دیگر، درونی‌سازی به شرکت‌ها کمک می‌کند از منابع، دانش فنی و ظرفیت‌های نهادی کشور میزبان بهره بگیرند و در عین‌حال تصویر برند و اعتماد مشتریان را تقویت کنند (Kogut & Zander, 1992, p. 387; Bartlett & Ghoshal, 1989, p. 158). بنابراین، این نظریه چرایی ترجیح شرکت‌ها به حضور مستقیم در بازارهای خارجی را توضیح می‌دهد.

۱-۱-۳. نظریه‌های مرتبط با بازارهای کامل

در مقابل نظریه بازارهای ناقص، برخی دیدگاه‌ها با فرض کارایی بازارها، FDI را نتیجه تصمیمات عقلایی شرکت‌ها در محیطی نسبتاً کامل می‌دانند. در این رویکرد، عواملی مانند اندازه بازار، کاهش هزینه تولید،

مدیریت ریسک و تفاوت در نرخ بازده سرمایه، نقش اصلی را در شکل‌گیری FDI دارند. اندازه بزرگ‌تر بازار، امکان فروش بیشتر و بهره‌گیری از صرفه‌های ناشی از مقیاس را فراهم می‌کند (Helpman, 1984, p. 459). همچنین، شرکت‌ها با گسترش تولید و دسترسی به نهاده‌های ارزان‌تر می‌توانند هزینه‌های خود را کاهش و سودآوری را افزایش دهند. از سوی دیگر، پراکندگی جغرافیایی سرمایه‌گذاری‌ها به کاهش ریسک ناشی از رکود یا بی‌ثباتی اقتصادی در یک کشور کمک می‌کند. در نهایت، سرمایه به سمت کشورهایی حرکت می‌کند که بازدهی بیشتری دارند؛ به‌ویژه اگر آن کشورها از ثبات، زیرساخت مناسب و محیط اقتصادی جذاب برخوردار باشند. در مجموع، این نظریات FDI را نتیجه محاسبات سودآوری، کارایی و مدیریت ریسک می‌دانند.

۱-۱-٤. نظریه تلفیقی دانینگ

الگوی تلفیقی دانینگ یا OLI یکی از جامع‌ترین چارچوب‌ها برای تبیین FDI است. دانینگ این نظریه را برای پاسخ به سه پرسش اصلی مطرح کرد: چرا شرکت‌ها سرمایه‌گذاری خارجی انجام می‌دهند، چرا این سرمایه‌گذاری به‌صورت مستقیم انجام می‌شود، و چرا یک کشور خاص به‌عنوان مقصد انتخاب می‌شود؟ براساس این الگو، تحقق FDI نیازمند سه نوع مزیت است: مزیت‌های مالکیتی، مزیت‌های موقعیتی و مزیت‌های درونی‌سازی. مزیت‌های مالکیتی به دارایی‌های خاص شرکت مانند فناوری، برند، دانش مدیریتی و سرمایه انسانی مربوط می‌شوند. مزیت‌های موقعیتی به ویژگی‌های کشور میزبان مانند اندازه بازار، هزینه نیروی کار، زیرساخت، ثبات سیاسی و کیفیت نهادی اشاره دارند. مزیت‌های درونی‌سازی نیز زمانی اهمیت می‌یابند که انجام فعالیت در داخل شرکت نسبت به واگذاری آن از طریق بازار کارآمدتر باشد. دانینگ همچنین تأکید می‌کند که شرکت‌های چندملیتی تنها به دنبال بازار یا منبع جدید نیستند، بلکه در بسیاری از موارد درپی کسب دارایی‌های راهبردی‌اند؛ دارایی‌هایی که توان رقابتی آن‌ها را در سطح جهانی افزایش می‌دهد (محمودی و شاه‌آبادی، ۱۳۸۵، ص۱۰۳). از این‌رو، الگوی OLI چارچوبی تلفیقی و جامع برای تحلیل FDI فراهم می‌کند. در مجموع، نظریه‌های فوق نشان می‌دهند که FDI تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، نهادی و ساختاری قرار دارد. نظریه بازارهای ناقص بر موانع ورود و نااطمینانی تأکید می‌کند، نظریه درونی‌سازی بر کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش کنترل، نظریه‌های بازار کامل بر اندازه بازار و بازده سرمایه، و الگوی دانینگ بر هم‌زمانی مزیت‌های مالکیتی، موقعیتی و درونی‌سازی. بر این اساس، در این پژوهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و متغیرهایی مانند اندازه بازار، ثبات اقتصادی، زیرساخت‌ها، هزینه نیروی کار، درجه باز بودن اقتصاد و کیفیت محیط نهادی، به‌عنوان عوامل

اثرگذار مورد بررسی قرار می‌گیرند. بنابراین، انتظار می‌رود بهبود شرایط اقتصادی و نهادی کشور میزبان، زمینه جذب بیشتر FDI را فراهم کند.

۱-۲. کاربست نظریه

نظریه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هر یک از زاویه‌ای خاص به تبیین رفتار شرکت‌های چندملیتی می‌پردازند. نظریه بازارهای ناقص بر وجود موانع و مزیت‌های اختصاصی شرکت تأکید دارد؛ نظریه درونی‌سازی بر کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش کنترل تمرکز می‌کند؛ نظریه‌های بازار کامل سرمایه‌گذاری خارجی را نتیجه تفاوت در بازده، اندازه بازار و امکان مدیریت ریسک می‌دانند؛ و نهایتاً نظریه تلفیقی دانینگ با ترکیب این دیدگاه‌ها، چارچوبی جامع برای تحلیل چرایی، چگونگی و محل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ارائه می‌دهد. بنابراین، برای تحلیل پدیده FDI در کشورهای مختلف، استفاده از رویکرد تلفیقی می‌تواند از قدرت تبیینی بیشتری برخوردار باشد. با توجه به مبانی نظری مطرح‌شده، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تابعی از مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، نهادی و ساختاری است. نظریه بازارهای ناقص بر نقش موانع ورود، نااطمینانی و مزیت‌های اختصاصی بنگاه تأکید دارد. نظریه درونی‌سازی نیز نشان می‌دهد که شرکت‌ها در شرایط ناکارآمدی بازار، برای کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش کنترل، به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی گرایش پیدا می‌کنند. همچنین در چارچوب نظریه بازارهای کامل، عواملی مانند اندازه بازار، نرخ بازده سرمایه و کاهش هزینه‌های تولید از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های FDI به‌شمار می‌روند. در نهایت، الگوی تلفیقی دانینگ بیان می‌کند که تحقق FDI به هم‌زمانی مزیت‌های مالکیتی، موقعیتی و درونی‌سازی وابسته است. بر این اساس، در این پژوهش می‌توان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفت و عواملی مانند اندازه بازار، ثبات اقتصادی، زیرساخت‌ها، هزینه نیروی کار، درجه باز بودن اقتصاد و کیفیت محیط نهادی را به عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار داد. در نتیجه، مدل مفهومی پژوهش بر این فرض استوار است که بهبود شرایط اقتصادی و نهادی کشور میزبان، زمینه لازم را برای جذب بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فراهم می‌کند. وضعیت داخلی جمهوری اسلامی ایران و نوع ارتباط و تعامل با نظام بین‌الملل، و همراهی با اقتصاد بین‌الملل موجب می‌شود که بتواند در فضای توسعه قرار گیرد و با جذب سرمایه گذاری خارجی مسیر توسعه را با سرعت بیشتری طی کند. در حالی‌که وجود موانع داخلی مانند قوانینی که مانع سرمایه‌گذاری خارجی هستند، یا رفتارهایی که موجب می‌شود نظام بین‌الملل از طریق اجرای تحریم و رژیم‌های کنترل، مانع سرمایه‌گذاری خارجی شود، توسعه ایران را با تأخیر مواجه می‌کنند.

۲. تحریم‌های هسته‌ای

تحریم‌های هسته‌ای ایران مجموعه‌ای از محدودیت‌های اقتصادی، تجاری و فناوری هستند که در طول دو دهه گذشته با محوریت برنامه هسته‌ای ایران اعمال شده‌اند. این تحریم‌ها از سوی نهادهای بین‌المللی (شورای امنیت سازمان ملل) و بازیگران خاص (ایالات متحده و اتحادیه اروپا) وضع گردیده‌اند. غالب این تحریم ها از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ طراحی و اجرا شده‌اند. در این دوره با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه‌های متعددی علیه ایران صادر شد. مانند قطعنامه ۱۷۳۷ که در سال ۲۰۰۶ تصویب گردید و آغاز تحریم‌های اولیه هسته‌ای علیه ایران بود؛[1] قطعنامه ۱۷۴۷ که در سال ۲۰۰۷ تصویب شد و موجب تشدید تحریم‌ها گردید؛[2] قطعنامه ۱۸۰۳ که در سال ۲۰۰۸ تصویب شد و محدودیت‌های تجاری و مالی بیشتری را علیه ایران ایجاد کرد؛[3] قطعنامه ۱۹۲۹ که در سال ۲۰۱۰ تصویب شود و ایران را ملزم به توقف غنی‌سازی می‌کرد. در این دوره، تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اتحادیه اروپا نیز شدت گرفت.[4]

تحریم‌های اعمال شده بر ایران را می‌توان در پنج حوزه کلیدی دسته‌بندی کرد:

الف) تحریم‌های مالی و بانکی؛ قطع دسترسی بانک‌های ایران به سیستم سوئیفت؛[5] محدودیت تراکنش‌های دلار برای نهادهای ایرانی؛ قرار گرفتن بانک مرکزی جمهوری اسلامی در لیست سیاه تحریم‌های آمریکا.[6]

ب) تحریم‌های انرژی و نفت: ممنوعیت خرید نفت و میعانات گازی از ایران؛ ممنوعیت سرمایه‌گذاری خارجی در پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران؛ محدودیت‌های شدید بر بیمه نفتکش‌ها که صادرات نفت را عملاً با چالش مواجه کرد.

ج) تحریم‌های تجاری و کشتیرانی: تحریم خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی[7] و شرکت ملی نفتکش ایران؛[8] ممنوعیت فروش کالاهایی «با کاربرد دوگانه»[9] که می‌تواند در برنامه هسته‌ای استفاده شود.

---

1. https://main.un.org/securitycouncil/en/sanctions/1737
2. https://main.un.org/securitycouncil/en/s/res/1747-%282007%29
3. https://www.iaea.org/sites/default/files/unsc_res1803-2008.pdf
4. https://main.un.org/securitycouncil/en/s/res/1929-%282010%29
5. SWIFT
6. SDN
7. IRISL
8. NITC
9. Dual-use items

د) تحریم‌های اشخاص و نهادها: طبقه‌بندی افراد، شرکت‌ها و نهادهای وابسته به سازمان انرژی اتمی یا وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلّح.

تحریم، پیامدهای اقتصادی آشکاری را بر اقتصاد ایران تحمیل کرد که به طور خلاصه عبارتند از:

۱. تورم و نرخ ارز: تحریم‌ها باعث کاهش درآمدهای ارزی و فشار بر بازار ارز شدند که نتیجه مستقیم آن رشد نرخ تورم است.

۲. کاهش تولید: کمبود قطعات یدکی و فناوری‌های پیشرفته به دلیل تحریم، در بلندمدت بر نرخ بهره‌وری صنایع تأثیر منفی گذاشته است.

۳. سرمایه‌گذاری خارجی: خروج شرکت‌های چندملیتی پس از سال ۱۳۹۷، باعث کاهش شدید ورود سرمایه و فناوری به زیرساخت‌های کشور شد؛ زیرا تحریم‌های هسته‌ای فراتر از یک ابزار دیپلماتیک، به یک ساختار پیچیده اقتصادی تبدیل شدند. تجربه نشان داده که اثرگذاری این تحریم‌ها مستقیماً با میزان دسترسی به بازارهای جهانی و تنوع شرکای تجاری در ارتباط است.

۳. سرمایه‌گذاری خارجی (مستقیم و غیرمستقیم) در ایران

سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بیش از آنکه متاثر از وضعیت داخلی باشد، از نظام بین‌الملل و وضعیت آن تاثیر می‌پذیرد. نخستین سرمایه‌گذاری خارجی در ایران پیش از سال ۱۳۱۰ بوده و توسط روس‌ها و انگلیسی‌ها انجام شده است. سرمایه‌گذاری در این دوره در زمینه‌های تجاری، صنعتی و بانکی انجام می‌شده است. وجود سه قانون ثبت شرکت‌ها، قانون تجارت و قانون جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی، قوانین حاکم بر سرمایه‌گذری خارجی بوده است. با توجه به رانتیر بودن دولت در ایران، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران تا سال ۱۳۴۸، غالباً به حوزه نفت اختصاص یافته است. اما از سال ۴۹ تا ۵۶ فضای سرمایه‌گذاری خارجی برعکس شد و اغلب به فعالیت‌های غیرنفتی اختصاص یافت (اشرف، ۱۳۹۵، ص۸۱-۹۳). «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» به این دلیل به رشد اقتصادی منجر می‌شود که هم انتقال فناوری مناسب را درپی دارد؛ هم آموزش نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری را. این امر از طریق بهبود کارایی و بهره‌وری سرمایه به دلیل انتقال فناوری پیشرفته صورت می‌گیرد، و نه لزوماً از طریق انباشت سرمایه. فرایند رشد اقتصادی در توسعه نظام مالی کشور و راهبردهای تجاری نمایان می‌شود. سرمایه‌گذاری غیرمستقیم برخلاف سرمایه‌گذاری مستقیم، از طریق افزایش قابلیت‌های سرمایه‌گذاری داخلی که معمولاً از توان کمتری نسبت به سرمایه‌گذاری مستقیم برخوردار است، رشد اقتصادی را ایجاد کند (مهدوی، ۱۳۸۳، ص۷۷). بر اساس

آمار بانک جهانی از سال ۱۹۷۰م یعنی از سال ۱۹۴۸ که سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به سمت سرمایه‌گذاری غیرنفتی سوق پیدا کرده بود، تا سال منتهی به انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

جدول ۱ – سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران تا ۱۹۸۰

سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بر اساس آمار بانک جهانی از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ (بر حسب میلیون دلار)										
۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰
۳۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۲٫۱۰۰	۷۰۰	۱۰۰۰	-۱۰۰	-۴۰۰	۱٫۲۰۰	۲۰۰	۱۰۰

منبع: سایت بانک جهانی[1]

وقوع انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی و اصل ۸۱ این قانون مانع هرگونه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران شد که تا سال ۷۲ این رویه ادامه یافت و پس از آن با تغییراتی فضا برای سرمایه‌گذاری ایجاد شد. حتی برخی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی قبل از ۵۷ به صورت یک‌جانبه لغو و مبلغ سرمایه‌گذاری به کشور مبدأ بازگردانده شد. نتیجه این تغییر سیاست براساس آمار بانک جهانی در جدول (۳) آمده است.

جدول ۲- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران تا ۱۹۸۸

سال	میزان سرمایه گذاری خارجی	سال	میزان سرمایه گذاری خارجی
۱۹۸۱	۰	۱۹۹۱	۰
۱۹۸۲	-۱۰۰	۱۹۹۲	۰
۱۹۸۳	-۱۰۰	۱۹۹۳	۳۰۰
۱۹۸۴	۰	۱۹۹۴	۰
۱۹۸۵	۰	۱۹۹۵	۰
۱۹۸۶	-۱۰۰	۱۹۹۶	۰
۱۹۸۷	-۲۰۰	۱۹۹۷	۰
۱۹۸۸	۰	۱۹۹۸	۰
۱۹۸۹	۰	۱۹۹۹	۰
۱۹۹۰	-۳۰۰	۲۰۰۰	۰

منبع سایت بانک جهانی[2]

براساس اعلام بانک جهانی، تا سال ۲۰۰۰ درب‌های سرمایه‌گذاری خارجی در ایران همچنان بسته

1.https://data.worldbank.org/indicator/BX.KLT.DINV.WD.GD.ZS?end=2024&locations=IR&start=1970&view=chart

2. https://data.worldbank.org/indicator/BX.KLT.DINV.WD.GD.ZS?end=2024&locations=IR&start=1970&view=chart

است. ایران از سال ۷۲ تلاش کرد تا با تصویب قانون نحوه اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی، مسیری برای تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایجاد کند. تصوب آیین‌نامه اجرایی آن تا سال ۸۱ (۲۰۰۱م) به درازا کشید. پس از تصویب این قانون، فضای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران متفاوت شد.

جدول ۳- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱٤

سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بر اساس آمار بانک جهانی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ (بر حسب میلیون دلار)												
۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
۳۰۰	۲٫۷	۱٫۹	۱٫۶	۱٫۳	۹۰۰	۶۰۰	۵۰۰	۷۰۰	۷۰۰	۷۰۰	۷۰۰	۶۰۰	۵۰۰

منبع سایت بانک جهانی[1]

چنانچه در جدول (۳) مشاهده می‌شود، جمهوری اسلامی ایران با تغییر قوانین داخلی توانست در سال ۲۰۰۲ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قابل توجهی را جذب نماید. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ ایران جمعاً هشت میلیارد و چهارصد میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب کرد و توانست در فضای توسعه ایران اثر مثبتی ایجاد کند. از سال ۲۰۰۶ که پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت رسید، و در نتیجه آن تحریم‌های هسته‌ای آغاز شد، فضای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز از آن متأثر گردید و تقریباً تا سال ۲۰۱۴ در فضای محدودی قرار گرفت.

جدول ٤ – سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران از ۲۰۱٤ تا ۲۰۲٤

سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بر اساس آمار بانک جهانی از سال۲۰۱۴ تا۲۰۲۴ (بر حسب میلیون دلار)									
۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	۲۰۲۴
۵۰۰	۷۰۰	۱۰۰۰	۶۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۳۰۰	۳۰۰

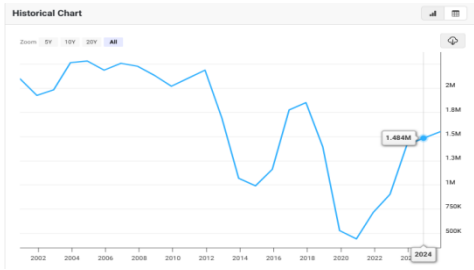
منبع سایت بانک جهانی[2]

با تصویب برجام در سال ۲۰۱۵ سرمایه‌گذاری مستقیم از فرایند نزولی خارج شد و تقریباً تجربه مثبتی را ثبت کرد. پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸، خط ثابت سرمایه‌گذاری مستقیم ایجاد شد و افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم از بین رفت. همچنین در دوران برجام به جای سرمایه‌گذاری مستقیم، فضای سرمایه‌گذاری غیرمستقیم به صورت فاینانس ایجاد شد که قراردادهای متعددی را با چین و کشورهای دیگر شامل می‌شود.

1. https://data.worldbank.org/indicator/BX.KLT.DINV.WD.GD.ZS?end=2024&locations=IR&start=1970&view=chart
2. https://data.worldbank.org/indicator/BX.KLT.DINV.WD.GD.ZS?end=2024&locations=IR&start=1970&view=chart

٤. برجام، کاهش تحریم‌های هسته‌ای و سرمایه‌گذاری خارجی

برجام[1] یا برنامه جامع اقدام مشترک در سال ۲۰۱۵ میان ایران و گروه ۵+۱ (آمریکا، چین، روسیه، بریتانیا، فرانسه و آلمان) منعقد شد، توافقی دیپلماتیک با هدف نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران در ازای لغو تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای بود. طبق این توافق، ایران پذیرفت که بخش‌های کلیدی برنامه هسته‌ای خود، ازجمله غنی‌سازی اورانیوم و ذخایر آن را محدود کند و در مقابل، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران نظارت دقیق داشته باشد، تا شفافیت لازم برای رفع تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی حاصل شود. با این حال، اجرای این توافق با چالش‌های جدی مواجه شد؛ به ویژه پس از خروج یک‌جانبه ایالات متحده از آن در سال ۲۰۱۸ و بازگشت تحریم‌های آمریکا، که منجربه کاهش تعهدات هسته‌ای از سوی ایران و پیچیده‌تر شدن وضعیت حقوقی و دیپلماتیک این توافق در سال‌های اخیر شد. براساس آمار منتشر شده توسط آنکتاد در سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد. پس از امضای تفاهم‌نامه برجام، ایران توانست در حوزه زیرساخت‌ها قرارداد دوجانبه‌ای را با کشورهای عراق، فدراسیون روسیه، اسلواکی، ژاپن، سنگاپور، لوکزامبورگ، مجارستان و چک امضاء نماید.[2] همچنین طبق گزارش ۲۰۱۵ بانک جهانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طور عمده به صورت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید به اقتصاد ایران وارد می‌شود، که در این میان، بخش‌های استخراج نفت و گاز و تولید، بیشترین سهم را از این نوع سرمایه‌گذاری به خود اختصاص می‌دهند و بخش‌های فلزات و تولید در رتبه‌های بعدی قرار دارند. با اجرایی شدن برجام در دی‌ماه ۱۳۹۴، ایران توانست از طریق دیپلماسی نفتی، علاوه‌بر افزایش حجم سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز، سهم خود از برداشت و فروش نفت را دوباره در اجلاس اوپک به دست آورد.



منبع[3]

1. Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)
2. https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/countries/98/iran-islamic-republic-of?type=bits
3. https://www.macrotrends.net/3819/iran-crude-oil-exports

پس از اجرای تحریم‌های هسته‌ای از سال ۲۰۰۶، صادرات نفت ایران به زیر ۲ میلیون بشکه در روز رسید و این فرایند در سال ۲۰۱۴ به کمترین میزان خود یعنی زیر یک میلیون بشکه کاهش یافت و فروش نفت ایران به نصف کاهش رسید و با توجه به تحریم‌های بانکی و مالی و... امکان استفاده از وجوه حاصل از فروش نفت نیز از بین رفت. اما پس از تصویب برجام، نفت ایران در سال ۲۰۱۵ به بالای یک میلیون بشکه بازگشت. در سال ۲۰۱۶ به یک میلیون و هشتصد هزار بشکه و در سال ۲۰۱۷ به یک میلیون و نهصد هزار بشکه رسید. اما در سال ۲۰۲۰ با خروج امریکا از برجام فروش نفت ایران به زیر ۵۰۰ هزار بشکه سقوط کرد. همچنین، دیپلماسی اقتصادی نیز موضوع تأمین مالی خارجی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را برای توسعه اقتصادی و ایجاد شغل در کانون توجه دولت قرار داد. در این راستا، دولت موفق شد بیش از ۴۶ میلیارد دلار فاینانس از کشورهای چین، روسیه، هند، کره جنوبی، اتریش و دانمارک جذب کند. پیش از برجام و در اوج تحریم‌ها، بیشتر شاخص‌های اقتصادی کشور در وضعیتی منفی قرار داشتند و رتبه اعتباری ایران به بالاترین حد خود در تاریخ رسید. اما با حل و فصل مسئله پرونده هسته‌ای، علاوه‌بر مثبت شدن رشد اقتصادی، تورم کاهش یافت و رونق اقتصادی بهبود پیدا کرد؛ فضای اقتصادی کشور به روی جهان باز شد و سرمایه‌گذاران خارجی تمایل بیشتری برای سرمایه‌گذاری در ایران نشان دادند. به عنوان مثال، می‌توان به سرمایه‌گذاری ۵ میلیارد دلاری شرکت توتال در توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی اشاره کرد. در نتیجه، برجام نه تنها به رفع تحریم‌های هسته‌ای کمک کرد، بلکه موجب شکست ایران‌هراسی در بین کشورهای غربی شد و تلاش‌های آمریکایی‌ها برای محصور کردن ایران در مجامع بین‌المللی را ناکام گذاشت. این تلاش‌ها در نهایت منجربه این شد که سازمان همکاری اقتصادی و توسعه[1] به بررسی رتبه‌بندی اعتباری پرداخته و رتبه ایران را از ششم به پنجم ارتقاء دهد که این موفقیت از اهمیت بالایی برخوردار است.[2] روند رو به رشد سرمایه‌گذاری داخلی در ایران باعث شد که طبق گزارش مرکز تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد)، در سال ۲۰۱۶، ایران با افزایش ۶۴ درصدی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی روبرو شود. با این ثبت، ایران توانست وضعیت خود را به سطوح پیش از تحریم‌ها نزدیک کند. علاوه‌بر این، در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷، براساس گزارش سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ریسک سرمایه‌گذاری در ایران از ۷ به ۶ و در نهایت به ۵ کاهش یافت. این در حالی است که در دولت دهم، رتبه ریسک سرمایه‌گذاری کشور به ۷، معادل با شاخص کشورهای درگیر جنگ رسیده بود و در پایان دولت اصلاحات، این شاخص به ۴ کاهش یافته بود. توافق هسته‌ای ایران با شش

1. OECD
2. unctad.org

کشور مرتبط با پرونده هسته‌ای و لغو تحریم‌های مربوط به برنامه هسته‌ای، منجربه ایجاد موج جدیدی از تعاملات بین‌المللی شد و اقتصاد کشور نیز از این تعاملات بهره‌مند گردید (سایت وزارت امور خارجه، ۱۳۹۵/۸/۱۵). با رفع تحریم‌های بانکی، نفت و کشتیرانی، ایران گام مهمی در سه مولفه از چهار مولفه تاثیرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری برداشت. نخست، مشکلات بانکی برطرف شد و سپس با لغو تحریم‌های کشتیرانی، دسترسی به ایران آسان‌تر گردید. این دو عامل مجموعاً موجب کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در کشور از ۷ به ۵ در طی چهار سال گذشته شد. براساس اطلاعات ارائه شده توسط سخنگوی اداره گمرک جمهوری اسلامی ایران، «در سال مالی (از ۲۱ مارس ۲۰۲۰ تا ۲۰ مارس ۲۰۲۱)، ایران به ارزش ۲۴ میلیارد دلار با کشورهای ۵+۱ تجارت کرده است. صادرات ایران به این شش کشور به ۹٫۸۳ میلیارد دلار رسید. چین با صادرات ۲۶٫۹۵ میلیون تن کالا به ارزش ۹ میلیارد دلار، بزرگ‌ترین مقصد صادراتی ایران در میان این کشورها به‌شمار می‌رود. این کشور به ترتیب ۹۶ درصد و ۹۲ درصد از وزن و ارزش کل صادرات ایران را به خود اختصاص داده است. طبق گزارش‌ها، صادرات ایران در مقایسه با سال مالی ۲۰۱۸-۲۰۱۷، ۲۳ درصد از نظر حجم کاهش و تنها ۰٫۰۰۵ درصد از نظر ارزش رشد نشان می‌دهد؛ سالی که خروج آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک، توافق هسته‌ای با کشورهای ۵+۱، به وقوع پیوست. پس از چین، روسیه با صادرات بیش از ۱ میلیون تن کالا به ارزش ۵۰۴٫۵۷ میلیون دلار در رده بعدی قرار دارد و سهم وزنی و ارزشی آن به ترتیب ۳٫۷ درصد و ۵٫۱ درصد از کل صادرات ایران است. این ارقام نشان‌دهنده افزایش ۱۰۰ درصدی حجم و ۷۲٫۵ درصدی ارزش در مقایسه با سال مالی ۲۰۱۸-۲۰۱۷ هستند. سپس، آلمان با صادرات ۳۹٬۱۹۷ تن به ارزش ۲۳۳٫۰۶ میلیون دلار، انگلیس با ۷٬۲۹۳ تن به ارزش ۱۳ میلیون دلار، فرانسه با ۲٬۹۱۱ تن به ارزش ۸٫۷۶ میلیون دلار و ایالات متحده با ۶۶ تن به ارزش ۱۳۶٬۵۳۹ دلار در رده‌های بعدی قرار دارند. در این میان، چین با ۳٫۵۶ میلیون تن کالا به ارزش ۹٫۸۴ میلیارد دلار، بزرگ‌ترین صادرکننده به ایران به‌شمار می‌رود که ۳۳٫۷ درصد از ارزش کل واردات ایران را شامل می‌شود. پس از آن، آلمان با نزدیک به ۱٫۲۶ میلیون تن کالا به ارزش ۱٫۸۵ میلیارد دلار (۱۳ درصد)، روسیه با ۲٫۹۳ میلیون دلار به ارزش ۱٫۰۷ میلیارد دلار، انگلیس با ۲٫۷۶ میلیون تن کالا به ارزش ۱٫۰۳ میلیارد دلار (۷٫۳ درصد)، فرانسه با ۱۲٬۳۹۰ تن به ارزش ۲۸۴٫۲۸ میلیون دلار (۲ درصد)، و ایالات متحده با ۱۵٬۹۴۵ تن به ارزش تقریباً ۷۹٫۹۲ میلیون دلار (۰٫۵ درصد) قرار دارند».[1] سرمایه‌گذاری‌هایی که پس از برجام انجام شد، شامل موارد زیر است:

1. financialtribune.com, 19/4/2021

۱) سرمایه‌گذاری مشترک شرکت ایران خودرو با پژو فرانسه[1] به صورت ۵۰-۵۰ جهت تولید خودروهای جدید؛

۲) مشارکت شرکت ایران خودرو دیزل و شرکت ایدم با دایملر بنز به صورت نسبت ۴۹-۵۱ برای تولید انواع موتورهای دیزلی و گازسوز برای کامیون‌ها و اتوبوس‌ها؛

۳) همکاری شرکت یاوران خودرو شرق با شرکت مان آلمان برای تولید کامیون و اتوبوس.

۴) امضای تفاهم‌نامه میان شرکت IFPN و ایدرو برای بهبود کیفیت موتورهای خودرو.

۵) همکاری ایدرو با شرکت LGI به منظور انتقال فناوری در طراحی، نمونه‌سازی و تولید خودروهای برقی.

۶) سرمایه‌گذاری ایدرو با شرکت Motor Daelim برای انتقال فناوری و تولید موتورسیکلت‌های برقی (سایت وزارت امور خارجه، ۱۳۹۵/۸/۱۵)

براساس گزارش‌های سه ماهه وزارت امورخارجه، بانک‌ها و مؤسسات مالی بین‌المللی به تأمین مالی طرح‌های صنعت نفت و گاز کشور کمک کرده و روابط مالی و بانکی با آن‌ها تسهیل شده است. طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده، پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سال ۱۳۹۵، شرکت ملی نفت ایران حدود ۱۰ میلیارد دلار قرارداد سرمایه‌گذاری امضاء کند. از این میزان، ۱۳ میلیارد دلار به بخش گاز، ۸۰۰ میلیون دلار به بخش پالایش و پخش، ۲۸۰ میلیون دلار به بخش پتروشیمی و نزدیک به ۸ میلیارد دلار به پتروشیمی‌های بخش خصوصی اختصاص یافته است. پس از اجرایی شدن برجام، حضور پررنگ شرکت‌های معتبر در زمینه لیسانس و فناوری از کشورهای مختلف، ازجمله کشورهای اروپایی، ژاپن، کره جنوبی، روسیه، چین، سنگاپور، ترکیه و هند، به منظور مشارکت در سرمایه‌گذاری پروژه‌های صنعت پتروشیمی ایران بسیار چشمگیر بوده است. به طوری که سه تفاهم‌نامه همکاری با شرکت‌های توتال فرانسه و میتسویی اسپانیا برای تأمین منابع مالی طرح‌های پتروشیمی از نتایج مذاکرات به‌شمار می‌رود. اقتصاد ایران پس از لغو تحریم‌ها از سوی ایالات متحده در سال ۲۰۱۵ تقویت شد. در فوریه ۲۰۱۶، ایران برای نخستین بار در سه سال گذشته صادرات نفت به اروپا را آغاز کرد و ۴ میلیون بشکه به فرانسه، اسپانیا و روسیه صادر شد. براساس گزارش رصدخانه پیچیدگی اقتصادی، نفت خام بیش از دو-سوم صادرات ایران در سال ۲۰۱۸ را تشکیل می‌داد و بازارهای اصلی صادرات شامل چین، هند، کره جنوبی، امارات و ژاپن بودند. پس از تحریم‌های مالی ۱+۵ علیه ایران

1. Peugeot

در سال ۲۰۱۲، این کشور در دوره‌ای عمیق از رکود اقتصادی قرار گرفت، که به کاهش دستمزدهای واقعی و بهره‌وری منجر شد. با این حال، پس از مذاکرات منجربه برجام در سال ۲۰۱۳ و رفع تحریم‌ها، شاهد افزایش ریال، کاهش قیمت تولیدکننده و رشد دستمزدهای واقعی بودیم. به عنوان مثال، در سه ماهه اول سال ۲۰۱۶، دستمزدهای واقعی نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۱٫۶ درصد افزایش یافت و این روند در سه ماهه اول سال ۲۰۱۷ نیز ادامه داشت، به طوری که ۸ درصد دیگر افزایش مشاهده شد. همچنین، در سه ماهه اول سال ۲۰۲۱، بهره‌وری ایران ۲۴ درصد بیشتر از سه ماهه آخر سال ۲۰۱۵ بود. از این‌رو، به نظر می‌رسد افزایش دستمزدهای واقعی پس از لغو تحریم‌ها اندکی کمتر از سال ۲۰۱۶ خواهد بود، اما هنوز بهبود قابل توجهی در سطح زندگی کارگران ایرانی ایجاد خواهد کرد. بنابراین، ارزیابی نتایج ناشی از لغو تحریم‌ها در جلوگیری از آسیب به تجارت یا سرمایه‌گذاری ایران دشوار است. از این‌رو، بحث درباره تقاضای ایران برای کاهش تضمینی تحریم‌ها باید بر فرآیندها و مکانیزم‌هایی متمرکز شود که چنین تخفیفی را فراهم می‌آورد. اگر مزایای خودکار ارائه شوند، مذاکره‌کنندگان ۱+۵ و ایران باید بر مداخلات برای عادی‌سازی روابط اقتصادی تمرکز کنند. بازگرداندن توافق هسته‌ای از منظر اقتصادی به نفع ایران خواهد بود؛ اما سوال این است که آیا این بار این کار به صورت پایدارتر انجام خواهد شد یا خیر؟ توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵، استنباط‌های مرسوم درباره بی‌فایده بودن تحریم‌های اقتصادی به منظور محدود کردن برنامه هسته‌ای این کشور را به چالش کشید. با این حال، ادبیات موجود از نظر نظری برای پاسخ به پیچیدگی‌های پرونده ایران به اندازه کافی جامع نیست. این مطالعه به توسعه یک چارچوب نظری می‌پردازد که مسیرهای علّی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر هر دو طرف عرضه (محدودیت‌های برنامه هسته‌ای) و تقاضا (سیاست داخلی) در گسترش سلاح‌های هسته‌ای را تشریح می‌کند. مورد بررسی ایران از تزلزل مذاکرات بین‌المللی هسته‌ای از سال ۲۰۰۵ تا امضای توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ خواهد بود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مسیر تقاضا نقش مؤثرتری نسبت به مسیر عرضه ایفا کرد؛ زیرا به شکل‌گیری ائتلافی گسترده کمک نمود که توانست به حمایت از نئواصولگرایان تندرو پرداخته و مسیر مذاکرات و عقب‌نشینی هسته‌ای را هدایت کند.

برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی پس از برجام، ضروری است که شرکت‌های ایرانی قادر به جذب نیروی کار خارجی به آسانی باشند. همچنین، امکانات رفاهی و وضعیت محیط زیستی شهرهای ما باید به گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذاران خارجی ترجیح دهند در آن‌ها زندگی کنند. اجرای حقوق قراردادها به‌صورت کارآمد و سریع از طریق نظام قضایی و بی‌طرفی دادگاه‌ها نسبت به افراد ایرانی و خارجی نیز از نکات حیاتی است. به نظر می‌رسد که در حال حاضر نیاز به اطلاع‌رسانی درباره فعالیت‌هایی که در این زمینه انجام

می‌شود، وجود دارد و در مواردی که نقاط ضعفی مشاهده می‌شود، این مشکلات باید به سرعت برطرف گردند، تا بتوان سرمایه‌های خارجی را به کشور جذب کرد. ایران یکی از کشورهایی است که هزینه‌های تولید در آن بسیار بالا است و این موضوع به‌عنوان مانع مهمی برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی محسوب می‌شود. یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، ناکارآمدی شفافیت‌های قانونی در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی است که از الزامات اساسی جذب سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. تا زمانی که سرمایه‌گذار خارجی اطمینان نداشته باشد که نظام حقوقی و قانونی کشور میزبان از فعالیت‌های او حمایت می‌کند، ریسک سرمایه‌گذاری را نمی‌پذیرد. در بررسی حوزه‌هایی که تحریم‌ها ممکن است تأثیر بگذارند،به‌جای مسائل امنیتی و وضعیت، تمرکز باید بر سیاست داخلی باشد، همان‌طور که سولینگن مطرح کرده است. این نظریه به گسترش چارچوب سازوکارهای علّی سولینگن می‌پردازد و شامل متغیرهای مداخله‌گر بیشتری می‌شود که فرآیند تأثیر تحریم‌ها بر کشور هدف را تبیین می‌کند. تحریم‌ها بر کشور هدف از طریق ادغام آن با اقتصاد جهانی اثر می‌گذارند. الگوی ادغام آن در اقتصاد جهانی تحت تأثیر تعامل میان تحریم‌ها و واکنش کشورهای ثالث و راهبردهای ضدّ تحریمی کشور هدف شکل می‌گیرد (عسگری و همکاران، ۱۴۰۱). به‌علاوه، تغییر در «رابطه کشور هدف با اقتصاد جهانی، تأثیری بر توزیع قدرت و منابع داخلی» دارد (Connolly Citation, 2018, p. 25)، که به‌نوبه خود بر راهبردهای ائتلاف‌سازی رژیم یا به‌طور کلی بر «نظام داخلی» آن تأثیر می‌گذارد.

۵. نتیجه‌گیری

سرمایه‌گذاری خارجی یکی از الزامات اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، ازجمله ایران به‌شمار می‌آید؛ به‌ویژه در شرایطی که منابع مالی داخلی برای پشتیبانی از برنامه‌های توسعه‌ای کافی یا کارآمد نیستند. در مورد ایران، نیاز به سرمایه خارجی تنها به تأمین مالی محدود نمی‌شود، بلکه انتقال فناوری، دانش فنی و الگوهای نوین مدیریتی نیز از کارکردهای مهم آن است. از این‌رو باید بهره‌گیری از منابع خارجی را بخشی ضروری از راهبرد توسعه کشور دانست. در عین‌حال، تحقق این هدف به شدت به وضعیت تحریم‌ها و سرنوشت برجام وابسته است. تجربه اجرای برجام نشان داد که صِرف رفع حقوقی تحریم‌ها برای احیای روابط اقتصادی و جذب سرمایه کافی نیست، بلکه تداوم و اثربخشی عملی این رفع تحریم‌ها نیز اهمیت اساسی دارد. در نبود تضمین‌های معتبر، قراردادهای تجاری و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، با نااطمینانی جدی مواجه می‌شوند. از همین‌رو، بهبود تجارت خارجی، افزایش صادرات، کاهش کسری تجاری و تقویت ثبات اقتصادی ایران، مستلزم کاهش مؤثر و پایدار تحریم‌هاست. از منظر تحلیلی نیز بررسی

اثر تحریم‌ها بر برنامه هسته‌ای ایران نیازمند چارچوبی جامع‌تر است. در این بررسی از یک‌سو انگیزه‌های امنیتی، سیاسی و داخلی دولت، و از سوی دیگر ظرفیت اقتصادی، سطح تجارت بین‌المللی، زیرساخت‌ها، تخصص فنی و میزان دسترسی به حمایت‌های خارجی اهمیت دارند. بر این اساس، فهم دقیق رابطه میان تحریم‌ها، برجام و سرمایه‌گذاری خارجی تنها در پرتو نگاهی چندبُعدی و واقع‌بینانه امکان‌پذیر است.

منـابـع

اشرف، احمد (۱۳۹۵). *موانع تاریخی سرمایه‌داری در ایران*. تهران: انتشارات زمینه.

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ محمودی، عبداله (۱۳۸۵). تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران. *جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی*، ۳(۵).

عسگری، سید امین؛ بهمنی، محمد؛ عباسلو، بختیار (۱۴۰۱). بررسی تحریم سرمایه‌گذاری خارجی ایران با توجه به تحریم‌های یک‌جانبهٔ آمریکا (یک بررسی حقوقی از منظر بین‌الملل). *ایرفا*، شماره ۳۶.

مهدوی، حسین (۱۳۸۳). *مطالعه تطبیقی سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سرمایه ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس*. بی‌نا.

Bartlett, C. A., & Ghoshal, S. (1989). *Managing across borders: The transnational solution*. Harvard Business School Press.

Buckley, P. J., & Casson, M. C. (1976). *The future of the multinational enterprise*. Macmillan.

Dunning, J. H. (1993). *Multinational enterprises and the global economy*. Addison-Wesley.

Helpman, E. (1984). A simple theory of international trade with multinational corporations. *Journal of Political Economy*, 92(3), p. 451-471. https://doi.org/10.1086/261236

Hymer, S. H. (1976). *The international operations of national firms: A study of direct foreign investment*. MIT Press

Kogut, B., & Zander, U. (1992). Knowledge of the firm, combinative capabilities, and the replication of technology. *Organization Science*, 3(3), p. 383-397. https://doi.org/10.1287/orsc.3.3.383

Markusen, J. R. (1995). The boundaries of multinational enterprises and the theory of international trade. *Journal of Economic Perspectives*, 9(2), p. 169-189. https://doi.org/10.1257/jep.9.2.169

UNCTAD. (n.d.). *Foreign direct investment*. United Nations Conference on Trade and Development. Retrieved July 8, 2026. URL= https://unctad.org/